



12 سال از آغاز التهاب بین ایران و غرب بر سر مساله هسته‌ای ایران می‌گذرد. اما از سال 82 که این مساله در داخل و خارج از کشور تبدیل به پرونده شد، دیپلمات‌های زیادی در مذاکرات وارد و خارج شدند. هریک از آنها روزهای خوب و بد زیادی داشتند؛ اما پس از اینکه این پرونده از سوی غربی‌ها «بحران» خوانده شد، موضوع فرق کرد؛ آنها به دنبال ارجاع پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت بودند. نخستین تیم مذاکره‌کننده هم نیت غربی‌ها را فهمیده بود و تمام تلاش آنها، جلوگیری از این اقدام بود. همین امر باعث شد تا ایران چ

کار تیم هسته‌ای فعلی سخت‌تر از همه دورهاست

12 سال از آغاز التهاب بین ایران و غرب بر سر مساله هسته‌ای ایران می‌گذرد. اما از سال 82 که این مساله در داخل و خارج از کشور تبدیل به پرونده شد، دیپلمات‌های زیادی در مذاکرات وارد و خارج شدند. هریک از آنها روزهای خوب و بد زیادی داشتند؛ اما پس از اینکه این پرونده از سوی غربی‌ها «بحران» خوانده شد، موضوع فرق کرد؛ آنها به دنبال ارجاع پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت بودند. نخستین تیم مذاکره‌کننده هم نیت غربی‌ها را فهمیده بود و تمام تلاش آنها، جلوگیری از این اقدام بود. همین امر باعث شد تا ایران چندین توافق با طرف غربی که آن زمان ترویج‌کامی اروپایی بود، انجام دهد؛ توافقی‌هایی که اگرچه ناکام ماندند اما از یکسو «حسن نیت ایران» را نشان داد و از سوی دیگر بهانه‌ای به دست افرادی داد تا توافقات را «دادن امتیاز بالا» و «گرفتن امتیاز پایین» توصیف کنند؛ همان‌هایی که وقتی عنان مذاکرات را در دست گرفتند، متوجه شدند که مذاکرات مساله‌ای فراتر از این حرف‌هاست؛ اما هر چهار تیم که تاکنون وارد مذاکرات هسته‌ای شده‌اند تلاش خود را کرده‌اند تا با طرف مقابل به توافق برسند. یک تیم با دیپلماسی و یک تیم هم با موعظه و نصیحت در جلسات. حالا این چهار دوره مذاکره را با «حسین موسویان» از اعضای ارشد تیم مذاکره‌کننده زمان اصلاحات در میان گذاشتیم. هرچند قصدمان مصاحبه‌ای مفصل‌تر بود اما با توجه به اینکه در آستانه پایان ضرب‌الاجل سوم‌آذر، آقای موسویان سفرهای زیادی را در برنامه داشت، این مصاحبه به صورت مختصر انجام شد:

زمانی که شما در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای حضور داشتید، به وضوح، یکی از استراتژی‌هایتان، نرفتن پرونده هسته‌ای به شورای امنیت بود؛ این خط قرمز از کجا نشأت می‌گرفت و دلیلش چه بود؟ آیا این خط قرمز به اوضاع و شرایط خاص منطقه در آن زمان برمی‌گردد؟

خط قرمز برای این بود که می‌دانستیم عواقب ارجاع پرونده به شورای امنیت از نظر سیاسی، اقتصادی، امنیتی و بین‌المللی فوق‌العاده سنگین است و نمی‌خواستیم چنین هزینه‌ای به کشور و به ملت تحمیل شود.

در آن زمان از سوی نهادهای داخل نظام (مانند مجلس و...) با استراتژی شما، مخالفتی صورت می‌گرفت؟ یا اینکه فشاری وارد می‌شد؟

در آن مقطع اختلاف دیدگاه در مورد پرونده هسته‌ای بسیار زیاد بود، به طوری که هیچ دوره‌ای از مذاکرات هسته‌ای به اندازه آن دوره، فشار روی تیم هسته‌ای نبوده است. البته طبیعی هم بود؛ چون ابتدای مشکل بود و هنوز ابعاد موضوع برای کشور، شناخته شده نبود.

پس از دوره شما، بی‌اهمیت جلوه دادن رفتن پرونده هسته‌ای به شورای عالی امنیت ملی، ناشی از تغییر استراتژی کلی بود یا حاصل تفکر تیم مذاکره‌کننده و دولت وقت؟

بهتر است بگوییم بیشتر به دلیل عدم اطلاع از عواقب ارجاع به شورای امنیت بود. چون تصور خیلی‌ها این بود که پرونده به شورای امنیت نمی‌رود. برخی هم معتقد بودند که به فرض اینکه برود هم، تحریمی در کار نخواهد بود. من معتقد نیستم که سوءنیتی در کار بود. دلیل عمده، عدم شناخت از واقعیت‌های تلخ صحنه بین‌المللی بود.

آیا تیم هسته‌ای وقت، در دولت پس از اصلاحات، می‌توانست جلو رفتن پرونده به شورای امنیت را بگیرد؟ خیر. ما می‌گفتیم که شروع یکجانبه غنی‌سازی به معنای ارجاع اتماتیک پرونده به شورای امنیت است. عده‌ای باور نمی‌کردند، اما می‌شد که روند تصویب قطعنامه‌ها را کند کرد و از سطح و حجم آن کاست.

تعبیر شما از دوره دوم مذاکرات هسته‌ای، یعنی زمان آقای لاریجانی چیست؟ در آن زمان غرب آماده توافق بود یا بابت شکستن پلمب‌ها توسط ایران، به دنبال تعلیق بود؟

با پیشنهاد آقای لاریجانی، من به‌عنوان مشاور سیاست خارجی ایشان ماندم اما برای پرهیز از هرگونه دوگانگی با تیم هسته‌ای، هیچ دخالتی در سیاستگذاری‌های هسته‌ای نداشتم. من و آقای لاریجانی سابقه دوستی و صمیمیت طولانی داشتیم و الان هم داریم. اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم آقای لاریجانی خیلی سعی کرد که بحران را کنترل کند و روند تصویب قطعنامه‌ها را متوقف کند اما از یک سو شعارهای تند مثل نفی هولوکاست مانع کار ایشان شد. چون تلاش‌های ایشان در صحنه بین‌المللی را از بین برد و از سوی دیگر اختلاف دیدگاه او با رییس‌جمهور وقت یعنی آقای احمدی‌نژاد در حدی بود که به نحو غیرمحترمانه‌ای ایشان را کنار گذاشتند.

مذاکرات در زمان آقای جلیلی، به‌گونه‌ای بود که حتی برای تعیین مکان نشست بعدی چند هفته رایزنی می‌شد. به همین دلیل برخی طرف‌ها به ایران اتهام مذاکره برای مذاکره را وارد می‌کردند. آیا ایران در آن زمان اساساً اراده‌ای برای حل مشکل داشت؟

بی‌انصافی است اگر بگوییم که آقای جلیلی و تیم مذاکره‌کننده ایشان اراده‌ای برای حل مشکل نداشتند. از نظر من هم اراده داشتند و هم زحمت کشیدند، منتها این یک واقعیت بود که دیدگاه هسته‌ای ایشان با آقای روحانی کاملاً متفاوت بود، بنابراین سیاست کاملاً متفاوتی را اجرا کردند.

از دوره مذاکرات تیم آقای روحانی تا پیش از دوره آقای ظریف، تیم مذاکره‌کننده از شورایی عالی امنیت ملی شکل می‌گرفت اما الان از وزارت خارجه هستند که مجلس می‌تواند دخالت‌های زیادی انجام بدهد. این تغییر چه نکات مثبت و منفی‌ای دارد؟

در دوره مذاکرات به ریاست آقای روحانی هم تیم مذاکره‌کننده از وزارت خارجه بود. آقای ظریف، آقای البرزی، آقای ناصری و من تیم مذاکره‌کننده بودیم که همه از وزارت خارجه بودیم. در آن دوره و در تمام دوره‌ها نماینده سازمان انرژی اتمی هم در تیم مذاکره بوده است. به‌هرحال عرف دیپلماسی جهانی این است که چنین مذاکراتی را دیپلمات‌ها انجام می‌دهند. به اعضای تیم‌های مذاکره‌کننده کشورهای 5+1 بنگرید، می‌بینید که همیشه دیپلمات‌های وزارت خارجه بار اصلی مذاکرات را به دوش می‌کشند. البته اگر رییس تیم مذاکره‌کننده دبیر شورایی عالی امنیت ملی هم باشد، ایرادی ندارد بلکه گاهی اوقات می‌تواند بهتر هماهنگی‌های داخلی و ملی را انجام دهد.

به‌نظر شما کدام‌یک از این چهار دوره مذاکرات هسته‌ای سخت‌ترین بوده و در کدام‌یک منفعت ایران بیشتر تامین می‌شده است؟

در دوره اول که ما بودیم، بیشترین فشار داخلی روی تیم ما بود اما کار تیم هسته‌ای فعلی سخت‌تر از همه دوره‌هاست چون متن توافق جامع را مذاکره می‌کنند و این پیچیده‌ترین قسمت کار است.

در نقطه‌ای که ایران از لحاظ فناوری هسته‌ای ایستاده است با هزینه‌های پرداختی مطابقت دارد؟ آیا راهی بود که به این نقطه با هزینه کمتری برسیم؟

من در سخنرانی‌ها و مقالاتم در چندسال اخیر مرتب گفته‌ام که سطح و حجم تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران بیشتر از تحریم‌های اعمال‌شده علیه کره شمالی است که هم از معاهده «ان‌پی‌تی» خارج شد و هم بمب ساخت. بنابراین حقیقت این است که ما هزینه بمب اتم را داده‌ایم اما بمب اتمی نداریم چون از نظر دینی و حقوقی نظام به‌دنبال آن نبوده است.

مسئله تفاوت‌ها بین چهار دوره مذاکرات هسته‌ای در طول بیش از یک‌دهه زیاد است، اما اشتراکات این چهار تیم چه مواردی است؟

اشتراک این چهار دوره در مورد اصل حقوق هسته‌ای ایران بوده است. هر چهار تیم یک خط‌قرمز داشتند و آن هم «انجام غنی‌سازی در خاک ایران» بوده است.

برای دستیابی به توافق موقت ژنو، سه‌دور مذاکره صورت گرفت ولی برای توافق جامع همچنان مذاکرات در جریان است که 10 دور مذاکره فشرده بوده است. چه مواردی باعث سختی کار پس از توافق موقت شده است؟

ظرفیت غنی‌سازی، دوره رفع تحریم‌ها و دوره اجرای قرارداد مهمترین مانع مذاکرات در مقطع فعلی است. آیا می‌توان یکی از کارکردهای توافق ژنو را جبران اعتماد از دست رفته بین طرفین دانست؟
حتما همین‌طور است. این یک توافق برد-برد بود.

چقدر احتمال می‌دهید پایان مذاکرات با سه‌پایان قبلی متفاوت باشد؟

احتمال اینکه این دوره پایانی متفاوت داشته باشد، زیاد است. برای هر دوطرف بازگشت به گذشته خیلی دشوار است. ایران در همه دوره‌ها جدی بوده اما در این دوره آمریکا حضوری بسیار فعال و تعیین‌کننده دارد ضمن اینکه چین، روسیه و اروپا هم می‌خواهند این کار تمام شود.

http://sharghdaily.ir/VijehNO.aspx?V_News_Id=3553

